

دوفصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال سیزدهم / دوره جدید / شماره ۴۹ / بهار و تابستان ۱۳۹۷
صص ۵-۱۵

وحدت، اضطراب‌اریات‌کلیف وراهکارهای عملی آن

• رضا رنجبر

استادیار دانشکده الهیات و حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

r_ranjbar4@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵

چکیده

اختلاف نظر بین انسانها تا جایی که موجب تکامل و پیشرفت علمی و عملی شود، ممدوح و ستوده، و در صورتی که موجب کینه آفرینی و دشمنی میان آنها گردد، مذموم و ناپسند است. در طول تاریخ اسلام، اختلافات از نوع دوم در اثر عوامل مختلف تاریخی و غیره به وجود آمده است. کنار گذاشتن اختلافات از این نوع و به کارگیری اصول وحدت آفرین مانند اصل توحید، اصل پیروی از پیامبر(ص) و اصل رعایت موازین اخلاقی، جزء تکالیف و احکام اولیه (نه ثانوی اضطرابی) می‌باشد. ارائه راهکارهای عملی برای رسیدن به این هدف، از قبیل اجتناب از اعمال مستحبی اختلاف برانگیز، تحریم رسمی اهانت و فحاشی به شیعه و سنی و صحابه در فتاوی مراجع و شیوخ دینی و غیره از جنبه‌های جدید تحقیق حاضر می‌باشد. همچنین در این تحقیق اثبات گردید که بروز اختلافات بین شیعه و سنی، عوامل تاریخی داشته که هر چقدر به صدر اسلام و زمان حیات پیامبر(ص) نزدیک می‌شویم، میزان اختلافات کمتر، و برعکس هر چقدر از زمان شارع دورتر می‌شویم، میزان اختلافات زیادتر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: وحدت، اضطراب، تکلیف، راهکار، عوامل تاریخی.





مقدمه

وحدت واژه عربی و مصدر است که در لغت به معنای یگانه شدن، یکتایی و یگانگی، و انفراد و تنهایی آمده است.^۱ منظور از وحدت و اتحاد در اصطلاح، آن است که همه مردم از هر رنگ و نژاد و قوم و قبیله که هستند، باهم همکاری داشته و در کنار یکدیگر باشند و مشکلات یکدیگر را حل کنند و علیه یکدیگر کارشکنی و خیانت نکنند.

مسلم است که اسلام ابتدا در میان مردمی ظهور کرد که آیین و طریقه آنها، یک امت واحد به نام امت اسلامی و یک حکومت به نام حکومت اسلامی و یک فرهنگ به نام فرهنگ اسلامی بود. سپس عوامل متعددی اوضاع و احوال را دگرگون کرد و دولت اسلامی به چندین دولت تجزیه شد؛ این در حالی بود که امت اسلامی با زبانها و قومیت‌های متفاوت، همچنان وحدت و انسجام و فرهنگ خویش را حفظ کرده بود.

قدرت‌های خارجی، ایجاد اختلاف بین امت اسلامی به خصوص اختلافات دینی - مذهبی را برای رسیدن به اهداف خویش مناسب‌تر از حملات نظامی یافتند. شهید اول، میرزای نائینی و امام خمینی (ره) از جمله فقهای شیعه هستند که بیشترین دغدغه حفظ وحدت و اتحاد میان مسلمانان شیعه و سنی را داشتند.

شهید اول مهم‌ترین و نخستین کاری که بر خود فریضه می‌دانست، وحدت بین مسلمانان سنی و شیعه و برانداختن مغولان و حکومت جور بود و در این راستا، از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزید.^۲

میرزای نائینی (د ۱۳۵۵ق) در کتاب *تنبيه الأمة و تنزیه الملة* راههای گوناگونی را برای مقابله با قوای استبداد پیشنهاد می‌کند که مهم‌ترین آنها را در بند چهارم وحدت کلمه و ترتیب موجبات اتحاد معرفی می‌کند. او می‌نویسد: «... نه تنها حفظ حریت رقابت

و صیانت حقوق ملیّه از اغتصاب و منع تعدّیات اشرار و دفع تجاوزات گرگان آدمی خوار بر آن متوقّف و فایده‌اش فقط منحصر در این امور است، بلکه حفظ تمام موجبات شرف و نوامیس دینیّه و وطنیّه و استقلال قومیت و عدم وقوع در اشدّ از محنت بنی اسرائیل الی غیر ذلک همه بر این اتحاد کلمه و عدم تشتّت آراء و مختلف نشدن اهواء مترتب و از این جهت است که در شریعت مطهّره در حفظ آن و رفع موجبات اختلاف و تفرّق این همه اهتمام فرموده‌اند و حتی از حکمتهای منصوصه برای تشریح جمعه و جماعت که هر شبانه روزی پنج مرتبه مسلمانان در عبادات باهم مجتمع و از حال یکدیگر باخبر شوند، همین حفظ اتحاد در اخبار وارده منصوص است، و همچنین تحریص بر سایر اجتماعات موجب الفت و تحبّب و ترغیب به ضیافتهای بی تکلف و احسانهای بی منت و عیادت مرضی و تشییع جنایز و تعزیت مصاب و معاونت بر قضاء حوائج و اجابت خواهش و عفو و صفح از زلّات و نسخ انزوا و رهبانیت و تحریم نیمه و ایذاء و تفتین و افساد الی غیر ذلک از تشریحات راجعه به استحکام اتحاد و الفت و دفع و رفع منافرت، تماماً برای حفظ این حصن حصین امت است...»^۳

امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۸ش در مباحث مربوط به ولایت فقیه، با برشمردن عوامل تفرقه میان امت اسلامی اذعان می‌نماید: «ما برای اینکه وحدت امت اسلام را تأمین کنیم، برای اینکه وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولتهای دست نشانده آنها خارج و آزاد کنیم، راهی نداریم جز اینکه تشکیل حکومت بدهیم. چون به منظور تحقق وحدت و آزادی ملت‌های مسلمان بایستی حکومت‌های ظالم و دست نشانده را سرنگون کنیم و پس از آن حکومت عادلانه اسلامی را که در خدمت مردم است، به وجود آوریم. تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمین است؛ چنان‌که حضرت زهرا(س)، در خطبه

۱. لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه «وحدت».

۲. منابع فقه شیعه، ج ۲۲، ص ۴۵.

۳. تنبيه الأمة و تنزیه الملة، ص ۱۶۸.

خود می‌فرماید که امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است.^۴

از جمله مسائلی که امام خمینی (ره) سخت به آن اهمیت می‌داد، مسئله وحدت، تقریب بین مذاهب و عدم تفرق میان آنان بود. مردم را به شدت از اعمال تفرقه برانگیز برحذر می‌داشت. در ایام حج با اصرار شیعیان را به شرکت در جماعت‌های اهل سنت و عدم ارتکاب اعمال نامناسب توصیه می‌نمود.^۵

مهم‌ترین مطلبی که باید بدان توجه نمود، این است که به‌رغم کنفرانس‌های مختلف که در زمینه وحدت بین مسلمانان برپا شده و کتابها و مقالاتی در این باره به رشته تحریر درآمده است، چرا تاکنون در رسیدن به هدف نهایی، موفقیت چشمگیری به دست نیامده است؟

به نظر می‌رسد آنچه علمای شیعه و سنی در این مسیر انجام داده‌اند، بیشتر جنبه نظری و تئوری داشته است. به عبارت دیگر اقدامات عملی صورت نگرفته است. عامل دیگر اینکه نگرش بیشتر علمای شیعه و سنی به موضوع و حکم وحدت، به عنوان یک امر اضطراری بوده است. مطالب فوق که از علمای شیعه درباره وحدت نقل شد، نمونه بارز این نوع نگرش است؛ یعنی بحران و مشکل سوء استفاده دشمنان از تفرقه، سبب شده که علما به امر وحدت و یکپارچگی روی آورند و مفهوم (مخالف) این سخن، این است که اگر مشکل سوء استفاده از تفرقه از بین برود، دیگر حکم وجوب و لزوم وحدت نیز از میان برداشته می‌شود. در این مقاله سعی بر این است که به موضوع و حکم وحدت از زاویه‌ای نو نگریده شود و مهم‌تر از همه راهکارهای عملی برای ایجاد وحدت بین مسلمانان شیعه و سنی ارائه گردد. حال سؤال این است که از منظر فقهی، برگشت به آن وحدت و انسجام اولیه امت اسلامی، چه حکمی دارد؟

۴. ولایت فقیه، ص ۳۷.

۵. تاریخ فقه و فقها، ص ۳۰۳.

حکم شرعی به دو قسم تقسیم شده است: واقعی اولی و واقعی ثانوی؛ اولی عبارت است از وظیفه شرعی در حال اختیار و وضعیت عادی، مانند وجوب وضو گرفتن برای خواندن نماز. ثانوی عبارت است از وظیفه شرعی که در حال اضطرار، عسر، حرج و ضرر و عناوین ثانویه دیگر توسط دلیل معتبر شرعی ثابت شده باشد، مانند تیمم به جای وضو برای کسی که به هر دلیلی توان وضو گرفتن را نداشته باشد.^۶ به عبارت دیگر حکم واقعی ثابت برای چیزی به عنوان اولی آن، و حکم واقعی ثابت برای چیزی در حالت ضرورت، مانند جواز خوردن مردار در حال اضطرار که حکم اولی آن حرمت است؛ یعنی با پیدایش اضطرار، حکم دیگری (جواز) پیدا کرده و حکم اولی‌اش برداشته شده است. به قسم اول، حکم واقعی اولی و به قسم دوم، حکم واقعی ثانوی می‌گویند.^۷

بعضی از نظریه‌پردازان عصر حاضر، درباره نوع لزوم و وجوب همبستگی و وحدت مسلمانان، اعتقادشان (و حداقل مفهوم مطالبشان) دال بر این است که به عنوان ثانوی، حفظ وحدت واجب بوده و در حالت عادی و غیر اضطراری حکم وجوب ندارد.

در این نوشتار با مفروض گرفتن ضرورت وحدت و یکپارچگی مسلمانان (اعم از شیعه و سنی)، و با در نظر گرفتن اینکه در مورد اهمیت آن، مطالب زیادی در قالب مقاله، کتاب، کنفرانس و سخنرانی بیان شده، ولی متأسفانه در مورد حکم شرعی وحدت و روش و راهکارهای عملی آن کمتر سخن گفته شده و یا با جرئت می‌توان گفت که سخنی در این مورد به میان نیامده است، تلاش شده است تا نوع حکم شرعی وحدت و راهکارهای عملی و واقعی برای تحقق عملی آن بیان گردد.

۶. الاستنساخ بین التقنیة و التشریح، ص ۱۲۴. نیز رک: دائرة المعارف

فقه مقارن، ج ۱، ص ۴۳۵.

۷. إصطلاحات الأصول، ص ۱۲۴. نیز رک: فرهنگ فقه مطابق مذهب

اهل بیت (ع)، ج ۳، ص ۳۶۰.





اولی یا اضطراری بودن لزوم وحدت

برخی از مفاهیم ارزش ذاتی ندارند، برای مثال در فقه اگر برای تیمم جایگاه و ارزشی است، از روی اضطرار است که به خاطر یافته نشدن آب، نمازگزار به تیمم روی آورده و نماز می‌گزارد. یا از باب اضطرار خوردن مردار مجاز می‌شود یا ... اما اخوت و الفت از مفاهیم بشر دوستانه‌ای می‌باشند که ارزش آنها ذاتی بوده و از مفاهیم دیگر به عاریت گرفته نشده‌اند.

در کتاب *الأصول العامة للفقهاء المقارن* آمده است: «مراد از حکم واقعی اولی حکمی است که اولاً و بالذات برای چیزی جعل و وضع شده است؛ یعنی بدون توجه به اینکه چه عوارض و عناوین فرعی دیگری بر آن عارض شده است، مانند اکثر احکام واقعی تکلیفی و وضعی. و مراد از حکم واقعی ثانوی آن حکمی است که برای چیزی وضع و جعل می‌شود با توجه به عارض شدن عنوانی از عناوین ثانوی که مقتضی تغییر حکم اولیه می‌باشد. برای مثال نوشیدن آب به عنوان اولی خود مباح است، ولی به عنوان نجات دهنده‌گی حیات شخص، واجب می‌شود. و صناعی که نظام زندگی بشر وابسته به آن است، واجب کفایی است، ولی چنان‌که این صنایع منحصر در شخص یا گروه خاصی باشد، برای او واجب عینی می‌شود».^۸ حال با توجه به اینکه آیه قرآنی «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۹ به طور مطلق و به عنوان اولی به حفظ وحدت امر و از هر عملی که موجب تفرقه میان مسلمانان گردد، نهی و منع فرموده است و همچنین با لحاظ کردن نظر قریب به اجماع اصولیان که صیغه امر را به حکم وجوب و صیغه نهی را به حکم حرمت حمل می‌کنند، و نیز با لحاظ کردن اینکه در هر حکم اضطراری یک عنوان ثانوی باید عارض گردد، تا حکم اولی تغییر یابد، و در «ما نحن فیه»

هیچ عنوان ثانوی در آیات و روایات مطرح نشده و تنها در خصوص چنگ زدن به ریسمان الهی و اجتناب از تفرقه بحث به عمل آمده است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که حفظ وحدت واجب اولی، و هر عمل اختیاری انسان که موجب تفرقه میان صفوف مسلمانان گردد، حرام اولی می‌باشد و دلیلی بر ثانوی و اضطراری بودن این حکم وجوب و حرمت وجود ندارد.

اما درباره الفت میان مسلمانان و مؤمنان، نباید با این دید به مسئله نگرست. برای مثال نمی‌توان گفت که چون دشمنان اسلام از تشبث و پراکندگی مسلمانان سوء استفاده می‌کنند، پس به ناچار باید میان مسلمانان شیعه و سنی وحدت و یگانگی و الفت باشد؛ زیرا مفهوم این سخن این است که اگر دشمنان از این امر سوء استفاده نکنند، اخوت بین مؤمنان ضروری و لازم نیست. این در حالی است که در متون دینی مسلمانان همچون قرآن، بر الفت و اخوت میان مسلمانان تأکید شده و آن را از واجبات و ضروریات برشمرده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»^{۱۰} علاوه بر مبانی نظری اخوت و الفت، اگر به سیره عملی پیامبر(ص) و ائمه معصومان(ع) نیز مراجعه شود، برادری و الفت را یک امر محسوس می‌یابیم. تا آنجا که میان امام معصوم و خلیفه وقت، علاوه بر اخوت دینی - اعتقادی، رابطه خویشاوندی و فامیلی (دامادی) نیز وجود داشته است. امام معصوم در امور قضایی، اجتماعی و ... دست خلیفه وقت را می‌گیرد و خلیفه در امور با او به مشاوره می‌نشیند و از راهنمایی‌های آن امام استفاده می‌کند و از خدمات او کمال امتنان و سپاسگزاری را دارد و خود چندین بار به این امر اشاره می‌کند که اگر در امر قضاوت و داوری راهنمایی‌های آن امام نبود، هر آینه به ورطه گناه و هلاکت می‌افتاد، و یا امام با خلیفه وقت سرانجام بیعت می‌نماید و ...

۸. *الأصول العامة للفقهاء المقارن*، ص ۶۹.

۹. آل عمران، ۱۰۳.

۱۰. حجرات، ۱۰.

سوالی که قابل طرح است، اینکه چرا هر چه از صدر اسلام به زمان کنونی نزدیک تر می شویم، این الفت کم رنگ تر شده و جای خود را به تنفر و تشّت و پراکندگی می دهد. تا آنجا که اذهان عوام، سنی را غیر معتقد به خدا، پیامبر(ص)، قرآن و ... و شیعه را یک مذهب شرک آلود و یک فرقه ضاله عارض بر اسلام معرفی می کنند.

اختلاف ممدوح

بدیهی است که اختلاف نظر علمای مذاهب را نباید همیشه یک امر مذموم به شمار آورد؛ زیرا اختلاف نظر در موضوعات علمی و تفسیر رویدادهای سیاسی ممدوح می باشد. اگر اختلاف در برداشت و استفاده از یک متن باشد، این خود مایه پیشرفت، توسعه و تکامل جامعه علمی - بشری است، چنان که اختلاف دو متن تفسیری یا فقهی حتی در یک مذهب، امری طبیعی و ممدوح به شمار می آید.

هر کسی را سیرتی بنهادام / هر کسی را اصطلاحی دادهام
هندوان را اصطلاح هند مدح / سندیان را اصطلاح سند مدح

آنچه در این باره از قرآن می توان استنباط کرد، اینکه بشریت همواره در تمامی دورانهای زندگی خویش، محکوم قانونی بوده است که آن را می توان «قانون اختلاف» نامید. خداوند می فرماید: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ»^{۱۱} «و اگر پروردگار تو می خواست، قطعاً همه مردم را امت واحدی قرار می داد، در حالی که پیوسته در اختلافند». بر این مبنا باید گفت: اختلاف، همچون واقعیتی خارجی، پیوسته در مراحل گوناگون تاریخی، حضور خود را حفظ کرده و خود معلول قانون دیگری است که خداوند در زندگی انسانی حاکم کرده است و آن قانون رشد و تکامل امته و افراد به وسیله امتحان و

آزمایش است. پس این دنیای پر زر و دیرپای، در عین حال کوره امتحان و آزمایش آدمی و فرصت عمل برای دستیابی به کمال روحی و معنوی او نیز هست. خداوند می فرماید: «أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»^{۱۲} «آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آورده ایم، رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟». همچنین در جای دیگر فرموده است: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ»^{۱۳} «همان که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید، و اوست ارجمند و آمرزنده».

اختلاف مذموم

اختلافی که محصول آن کینه، دشمنی و نفرت آفرینی باشد، مذموم است. اگر در سالگرد شب وفات خلیفه دوم مراسم ... راه می اندازند، یا در ماه محرم در ایام سوگواری امام حسین(ع)، جشن ازدواج به عنوان جواب متقابل به طرف مقابل، برپا می کنند، اینها باعث ایجاد نفرت، کینه و دشمنی، و مذموم هستند.

آنچه در قرآن بیان شده است مانند: «مؤمنان باهم برادرند»، «به ریسمان خدا همگی جنگ بزنید و پراکنده نشوید، و به یاد آورید نعمت خداوندی را که بر شما ارزانی داشته است، آن گاه که دشمن یکدیگر بودید و آفریدگار دلهای شما را به هم پیوند داد و به نعمت وی باهم برادر گشتید» و ... همگی متقن و قطع آور هستند، ولی اگر به جای این مبانی، چند خبر ضعیف را ملاک عمل خود قرار دهیم و آنها را در رادیو، تلویزیون، روزنامه و مجلات به خصوص در ایام عزاداری حضرت فاطمه(س) مطرح کنیم، بیش از پیش بر حجم شکاف و فاصله میان مسلمانان خواهد افزود.

هدف از الفت و نزدیک سازی مذاهب به یکدیگر،

۱۲. عنکبوت، ۲.

۱۳. ملک، ۲.

۱۱. هود، ۱۱۸.





آمیختن فرق اسلامی در یکدیگر نیست؛ زیرا اختلاف در تفسیر آیات و بالأخره اختلاف در فقه، مبتنی بر قواعدی است که خداوند متعال، اجتهاد در آن قواعد را تجویز نموده است و خوشبختانه رؤسای مذاهب اهل سنت مردم را از تقلید بازداشته‌اند و در میان شیعیان باب اجتهاد باز است.

فتوای تاریخی شیخ محمود شلتوت، بیش از هر چیز، گام مؤثری در نزدیک سازی و الفت آفرینی بین مسلمانان می‌باشد. او می‌نویسد: «آیین اسلام هیچ‌یک از پیروان خود را ملزم به پیروی از مکتب معینی ننموده است، بلکه هر مسلمانی می‌تواند از هر مکتبی که به طور صحیح نقل شده و احکام آن در کتب مخصوص به خود مدون گشته، پیروی نماید و کسی که مقلد یکی از مکتبهای (چهارگانه) باشد، می‌تواند به مکتب دیگری (هر مکتبی که باشد) منتقل شود. مکتب جعفری معروف به مذهب امامی اثنی عشری، مکتبی است که شرعاً پیروی از آن مانند پیروی از مکتبهای اهل سنت، جایز می‌باشد. بنابراین سزاوار است که مسلمانان این حقیقت را دریابند و از تعصب ناحق و ناروایی که نسبت به مکتب معینی دارند، دوری گزینند؛ زیرا دین خدا و شریعت او تابع مکتبی نبوده و در احتکار و انحصار مکتب معینی نخواهد بود. بلکه همه (صاحب مذهب) مجتهد بوده و اجتهادشان مورد قبول درگاه باری تعالی است و کسانی که اهل نظر و اجتهاد نیستند، می‌توانند از هر مکتبی که مورد نظرشان است تقلید نموده و از احکام فقه آن پیروی نمایند و در این مورد فرقی میان عبادات و معاملات نیست.»

گام دیگری که در تقریب مذاهب مفید واقع شد، فتوای امام خمینی (ره) در مورد جواز اقتدا به امام جماعت اهل سنت و شرکت در نماز جماعت آنان بود. قبل از انقلاب، شیعیان و ایرانیها با یک وضع نامطلوب، در هنگام اقامه نماز گروه گروه از مسجد بیرون می‌آمدند و در نماز شرکت نمی‌کردند و این بسیار به ضرر شیعیان تمام می‌شد. ولی بعد از فتوای امام، اکنون این

وضع از بین رفته و تجلی وحدت اسلامی در مساجد مکه و مدینه به وضوح احساس می‌شود.

منشأ تاریخی داشتن اختلاف مذموم

اختلافات شیعه و سنی در ابعاد کلامی و فقهی در طول تاریخ به وجود آمده است و منشأ دینی ندارد. منظور این است که اختلافات مذکور به مبانی دین اسلام (کتاب و سنت) بر نمی‌گردد، بلکه بیشتر منشأ تاریخی، سیاسی و ... دارد. برای اثبات این امر لازم است به موارد زیر توجه کرد:

۱- هرچقدر از زمان پیامبر (ص) به زمان حال و کنونی حرکت می‌کنیم، میزان اختلافات شیعه و سنی در ابعاد کلامی و فقهی از نظر آماری بیشتر می‌شود و برعکس هرچقدر از زمان حال به صدر اسلام برمی‌گردیم، میزان این اختلافات کم می‌شود. مراجعه به کتب فقهی قدمای مذاهب و مقایسه سرفصلها و عبارات آنها، نشان می‌دهد که میزان اشتراکات آنها به مراتب زیادتر از اختلافاتی است که بعدها و در دوران معاصر در کتب فقهی مشاهده می‌گردد. این امر اثبات کننده ادعای فوق است.

برای نمونه، کتاب فقهی الإیتصار جمعاً ۳۲۹ مسئله فقهی را در قرون چهار و پنج شمارش کرده که شیعه با اهل سنت اختلاف نظر داشته است. او آخرین مسئله اختلافی را با عنوان «وصیت برای وارث» مطرح کرده و نظر شیعه و اهل سنت را این‌گونه بیان نموده است: «مسألة [۳۲۹] [الوصية للوارث] و مما ظن انفراد الإمامية به: ما ذهبوا إليه من أن الوصية للوارث جائزة وليس للوارث ردها. وقد وافقهم في هذا المذهب بعض الفقهاء و إن كان الجمهور والغالب على خلافه»؛^{۱۴} «وصیت برای ورثه: گمان می‌شود از جمله احکام اختصاصی امامیه این است که وصیت برای ورثه جایز است و ورثه حق رد آن را ندارد. [در حالی که] بعضی از فقهای اهل سنت با آن موافقت، هرچند اکثر اهل سنت

برخلاف آن معتقدند». البته در بیشتر مسائل اختلافی مثل همین مسئله، اذعان نموده که شیعه در این حکم تنها نیست و بعضی از مذاهب اهل سنت نیز با فقهای شیعه هم‌رأی هستند.

بنابراین در میان هزاران مسئله فقهی پراکنده در ابواب مختلف فقهی، فقط در این تعداد معدود، فقهای شیعه با فقهای اهل سنت اختلاف نظر داشته‌اند، در حالی که اگر در عصر حاضر، دو کتاب فقهی شیعه را به صورت تطبیقی باهم بررسی کنیم، به مراتب بیش از این تعداد، باهم اختلاف نظر خواهند داشت.

۲- در عصر حاضر در میان شیعیان مشاهده نمی‌شود که یکی از آنها فرزندان خود را هم‌نام خلفای اول تا سوم، نام‌گذاری کرده باشد، در حالی که اگر به صدر اسلام و حتی عصر امام حسین(ع) برگردیم، مشاهده می‌کنیم که امام علی(ع)، امام حسن(ع) و امام حسین(ع)، برخی از فرزندان خود را هم‌نام خلفای فوق نامیده‌اند.

برای مثال نام ۱۰ نفر از شهدای کربلا از اسامی مذکور می‌باشد که هشت نفر آنها از اهل بیت امام حسین(ع) و دو نفر دیگر از یاران باوفای آن حضرت بودند. اسامی آنها از این قرار است: اسامی شهدای کربلا از اهل بیت امام حسین(ع): (۱) عثمان بن علی بن ابی طالب (۲) ابوبکر بن علی بن ابی طالب (۳) ابوبکر بن حسن بن ابی طالب (۴) عمر بن علی بن ابی طالب (۵) عمر بن حسن بن ابی طالب (۶) ابوبکر بن حسین (۷) ابوبکر بن قاسم بن حسین (۸) عمر بن حسین. اسامی شهدای کربلا از یاران امام حسین(ع): (۱) عمر بن اُحدوث خَضرَمی (۲) عمر بن خالد صیداوی.

با این وجود، سؤالی که مطرح است، اینکه چرا در عصر حاضر یک فرد مسلمان شیعه مذهب نمی‌تواند یا نمی‌خواهد فرزند خود را هم‌نام اسامی فرزندان ائمه خویش نام‌گذاری کند؟ این امر حاکی از آن است که اختلافات با این شدت، بعد از آن تاریخ و در عصرهای بعدی به وجود آمده است و منشأ تاریخی داشته و

منشأ دینی و شرعی ندارد.

برداشت‌های ناصحیح و عوامانه از احکام

با بررسی دقیق و علمی کتب فقهی شیعه و سنی، مشخص می‌شود که مطالب آن کتابها، با برداشتها و اعتقادات عوام مغایرت کامل دارند. برای نمونه مثالی از هر مذهب آورده می‌شود:

۱) تکتف در اهل سنت

در مذاهب چهارگانه اهل سنت، هیچ مذهبی تکتف (دست بسته نماز خواندن) را واجب ندانسته است. اکثر مذاهب آن را مستحب دانسته‌اند و یکی از مذاهب آن را حرام می‌داند. با این وجود، در میان عوام (غیر فقیه) اهل سنت، این روش و آداب نماز خواندن، حکم و جوب پیدا کرده و به صورت ناصحیح آن را واجب می‌دانند.

۲) شهادت ثالثه در شیعه

در میان فقهای شیعه، هیچ فقهی شهادت ثالثه (اشهد أن علیا ولی الله) را جزء اذان و اقامه ندانسته است. در حالی که در میان عوام (غیر فقیه) شیعه، این شهادت جزء اجزای اذان و اقامه محسوب می‌شود.

نگرش صحیح به وحدت

با توجه به آنچه تاکنون بیان شد، لازم است نگرش مسلمانان به وحدت و یکپارچگی را تصحیح کنیم؛ یعنی باید به عنوان یک تکلیف و واجب اولی، نه به عنوان یک حکم از روی اضطرار و ناچاری، به وحدت نگریسته شود. در این زمینه، هماهنگی همه ارگانها، سازمانها، نهادها، نیروهای دولتی و مردمی و ... یک امر ضروری است.

اصول وحدت آفرین

لازم به ذکر است که برای رسیدن به آن الفت و اخوت، اصولی وجود دارد که می‌توان آنها را این چنین خلاصه کرد:





۱) اصل توحید

عدل و قسط، همکاری و تعاون در کارهای خیر و ... رعایت اصول اخلاقی، ضامن موفقیت در امور مهمی همچون رسالت پیامبر(ص) بوده است. خداوند در این باره می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...»^{۱۹} «به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [= مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند...».

بنابراین امت آن حضرت نیز اگر پایبند به این اصول اخلاقی باشند، در رسیدن به همدلی و یکپارچگی بیش از پیش موفق خواهند بود. خداوند می‌فرماید: «وَأَوْفُوا بَعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا...»^{۲۰} «و چون با خدا پیمان بستید، به پیمان خود وفا کنید و سوگندهای خود را پس از استوار کردن آنها مشکنید...». «الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^{۲۱} «همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده و امی دارند و از کارهای ناپسند بازمی‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست»، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ...»^{۲۲} «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته به عدالت قیام کنید...» و «... تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ...»^{۲۳} «و در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید».

فقه و تقریب

اساسی‌ترین هدف تقریب، وحدت اسلامی است، ولی در کنار آن می‌توان آثار دیگری را نیز مشاهده کرد.

یکی از اساسی‌ترین معیارهای ادیان آسمانی و مذاهب مختلف آنها، رعایت اصل توحید در هر شرایط و موقعیتهای مختلف، و اهمیت دادن به این اصل و پرهیز از افکار و اعمال شرک آلود است. خداوند می‌فرماید: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^{۱۵} «پس هرکس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، به یقین به دستاویزی استوار، که آن را گسستن نیست، جنگ زده است و خداوند شنوای داناست».

۲) اصل پیروی از پیامبر(ص)

همه مذاهب و فرق اسلامی در رسالت و نبوت حضرت محمد(ص) اتفاق نظر دارند. بنابراین پیروی از آن حضرت، به عنوان واسطه و دریافت کننده وحی الهی، می‌تواند در ایجاد وحدت نقش مؤثری داشته باشد. خداوند می‌فرماید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ. إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»^{۱۶} «و از سر هوس سخن نمی‌گوید. این سخن به جز وحیی که به او می‌شود نیست». همچنین می‌فرماید: «مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا»^{۱۷} «هرکس از پیامبر فرمان برد، در حقیقت، خدا را فرمان برده و هرکس روی گردان شود، ما تو را برایشان نگهبان نفرستاده‌ایم». نیز در جای دیگر فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ...»^{۱۸} «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر را نیز پیروی کنید، پس هرگاه در امری اختلاف نظر یافتید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید...».

۳) اصل موازین اخلاقی

یعنی عهد و پیمان، امر به معروف و نهی از منکر،

۱۹. آل عمران، ۱۵۹.

۲۰. نحل، ۹۱.

۲۱. حج، ۴۱.

۲۲. نساء، ۱۳۵.

۲۳. مائده، ۲.

۱۵. بقره، ۲۵۶.

۱۶. نجم، ۳ و ۴.

۱۷. نساء، ۸۰.

۱۸. نساء، ۵۹.

از رهگذر تقریب و تضارب افکار، فقه اسلامی رشد و تکامل می‌یابد و بر غنای آن افزوده می‌گردد. این جریان عملاً در ادوار مختلف فقه (شیعه و اهل سنت) روی داده است. فقهای مذاهب از دیرباز در کنار هم زیسته و نظرات فقهی و اسلوبهای استنباط را به بحث و بررسی گرفته‌اند. امروزه نیز همین نیاز احساس می‌شود.

برای مثال در میان دوره‌های نه‌گانه فقه شیعه،^{۲۴} یکی از ویژگیها و امتیازات دوره چهارم معروف به «عصر کمال و اطلاق اجتهاد»، این امر می‌باشد که در مجامع علمی، آراء شیعه در کنار آراء اهل سنت قرار می‌گرفت و چه بسا جلسات بحث و مناظره بین دانشمندان این دو فرقه تشکیل می‌شد. فقهای شیعه برای پاسخ به این نیاز، به تدوین کتابهایی در فقه مقارن دست زدند؛ یعنی آراء فقهی شیعه و اهل سنت را در کنار هم قرار دادند و با استدلالی مناسب با منطق اهل سنت در مقام اثبات نظر شیعه برآمدند.^{۲۵}

کتاب «الخلاف» تألیف شیخ طوسی در واقع در همین زمینه به رشته تحریر درآمده است و در دوره‌های قبل (عصر سوم) کتابهای: «الإعلام فیما اتفقت علیه الإمامیه من الأحکام مما اتفقت العامة علی خلافهم» تألیف شیخ مفید و «الإتصار» و «مسائل الخلاف» تألیف سید مرتضی علم الهدی در همین زمینه نگاشته شده بود.^{۲۶}

پرداخت هزینه

برای رسیدن به هدف و وحدت، بدیهی است که هرکدام از رهبران مذاهب و پیروان آنها، باید هزینه‌هایی بپردازند، هزینه‌هایی که شاید در ابتدای امر بسیار دشوار و تلخ به نظر می‌آید. این قانون نانوشته نباید فراموش شود که برای به دست آوردن یک چیز، بعضی چیزها را باید از

دست بدهیم. آنچه مهم است اینکه چه چیز را به دست می‌آوریم و چه چیز را از دست می‌دهیم و سبک و سنگین کردن این دو، تحمل تلخی و مشکل هزینه را آسان‌تر می‌کند.

راهکارهای عملی برای رسیدن به وحدت

با توجه به مطالب فوق، راهکارهای عملی زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱- هرکدام از مذاهب برای رسیدن به هدف والای وحدت و یکپارچگی، از پیروان خود بخواهند که آن اعمال مستحبی را که منشأ اختلاف با مذهب دیگر می‌باشد، کنار گذاشته و از انجام آن خودداری نمایند. برای مثال مسلمانان اهل سنت از ثواب تکتف چشم پوشی کنند و مسلمانان شیعه از ثواب ذکر شهادت ثالثه صرف نظر نمایند.

۲- مراسمهایی که منشأ شرعی ندارند و از طرفی منشأ اختلاف می‌گردند، به طور کل کنار گذاشته شوند. مراسمهایی از قبیل جشن و پایکوبی در سالگرد وفات خلیفه دوم و ... در میان بعضی از شیعیان، و ازدواج و شادی در ایام محرم و سوگواری عاشورا در میان بعضی از اهل سنت.

۳- توصیه علمای فریقین برای شرکت مسلمانان در نماز جماعت و مجزی بودن آن از نماز واجب؛ زیرا یکی از مراسمهای وحدت آفرین میان مسلمانان نمازهای جماعت می‌باشد. برای مثال امام خمینی (ره) نماز خوانده شده در پشت سر امام جماعت سنی مسجد الحرام را مجزی دانسته‌اند. ضرورت دارد این رویه توسط علمای اهل سنت و شیعه پیگیری شود و گسترش یابد.

۴- ممنوعیت و حرمت هر نوع اهانت و فحاشی به مذهب مخالف؛ خداوند متعال حتی در مورد کفار و بت پرستان اهانت و فحاشی را ممنوع دانسته و فرموده است که شما به بتها و خدایان آنان فحش ندهید، تا



۲۴. تاریخ فقه و فقها، ص ۱۱۷.

۲۵. همان، ص ۱۸۰.

۲۶. همان، ص ۱۸۲.



اینکه آنها در مقام پاسخ به خدای شما فحش ندهند، با مبنا قرار دادن این مطلب، علمای مذاهب به طریق اولی اهانت و فحاشی به همدیگر به خصوص به صحابه و ... را رسماً حرام اعلام کنند.

۵- بحثهای تطبیقی - فقهی میان مذاهب اسلامی در عصر حاضر به خصوص در زمینه عبادی، معاملات و احوال شخصیه، و تشویق به چاپ و انتشار کتب و جزوه‌ها در این موضوعات، می‌تواند همچون گذشته پیام آور یکپارچگی میان مسلمانان باشد. در این صورت به تنگ و باریک بودن این شکاف که میان پیروان اهل بیت(ع) و اهل سنت و دیگر مذاهب اسلامی فاصله انداخته است، پی خواهیم برد. چه، کمتر فتوایی را از علمای مذاهب اسلامی می‌توان یافت که دانشمندی از میان علمای پیروان اهل بیت(ع) بدان قائل نباشد. عکس مسئله نیز - هرچند در سطح محدودتر - صادق است. ارجاع روایات فقهی شیعه به منابع و مأخذ اهل سنت و مقایسه آنها باهم، می‌تواند پیوندهای مستحکمی را میان مذاهب اسلامی به ارمغان آورد.

نتیجه‌گیری

۱. پیدایش اختلافات میان مسلمانان و تشکیل مذاهب (شیعه و سنی)، دهها سال بعد از وفات پیامبر(ص) به وجود آمده و عوامل تاریخی موجب پیدایش آن شده است و منشأ دینی ندارد. هرچقدر از صدر اسلام دور می‌شویم، دامنه اختلافات زیادتر و برعکس هرچقدر به صدر اسلام نزدیک‌تر می‌شویم، میزان اختلافات کمتر می‌شود.

۲. رعایت اصول اخوت و وحدت و دوری از اعمال اختلاف برانگیز، از متعلقات احکام اولیه (واجب) بوده و حکم ثانوی اضطراری محسوب نمی‌شود. در جامعه مسلمانان این حکم کم‌رنگ شده و نیازمند یک همت عمومی از جانب همه مذاهب می‌باشد.

۳. خرافه زدایی عالمان به خصوص فقهای اسلام و تحریم نمودن اهانت و فحاشی به صحابه و بزرگان مذاهب و دست برداشتن از بعضی اعمال عبادی غیرالزامی (مستحبات و سنن) می‌تواند در ایجاد وحدت گام مفیدی باشد. برای رسیدن به این هدف والا، مسلمانان باید هزینه‌هایی را پرداخت نمایند و از سختی پیمودن این مسیر نهراسند.

- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، قم، فاطمه الزهرا (س)، ۱۳۷۸ ش.
- ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله، شرح نهج البلاغه، ترجمه غلامرضا لایقی، تهران، کتاب نیستان، ۱۳۹۱ ش.
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، همبستگی مذاهب اسلامی: مقالات علمی بیست تن از دانشمندان مذاهب اسلامی، تهران، دانشگاه مذاهب اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
- حکیم، سید محمدباقر، وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت، ترجمه عبدالهادی فقهی زاده، تهران، تبیان، ۱۳۷۷ ش.
- حکیم، سید محمدتقی، الأصول العامة للفقہ المقارن، قم، مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۴۱۸ ق.
- خمینی، سید روح‌الله، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۲۳ ق.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
- شریف مرتضی، علی بن حسین، الإیتصار فی إنفردات الإمامیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ ق.
- طباطبایی بروجری، سید حسین، منابع فقه شیعه، ج ۲۲، ترجمه محمدحسین مهوری، تهران، فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ ش.
- گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقها، تهران، سمت، ۱۳۷۵ ش.
- مشکینی، علی، إصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها، قم، الهادی، ۱۳۷۹ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، قم، مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع)، ۱۴۲۷ ق.
- موسوی سبزواری، سید علی، الإستسناخ بین التقتیة و التشریح، قم، سید علی موسوی سبزواری (مؤلف)، ۱۴۲۳ ق.
- مولوی، محمد بن محمد، مثنوی معنوی، به همت رینولد. الف. نیکلسون، تهران، مولی، ۱۳۶۰ ش.
- نائینی، محمدحسین، تنبیه الأمة و تنزیه الملة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۴۲۴ ق.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، ۱۴۲۶ ق.

